

وجود و حقیقت چشم زخم در آیات و روایات

زهرا عبداللہی^۱

چکیده

چشم زخم یکی از واقعیات تلخ زندگی است که انسان را تهدید می‌کند. حتی ائمه و بزرگواران ما از این بلا مصون نبوده‌اند و برای در امان ماندن از این بلا دستورات و روایاتی از بزرگان ما وارد شده است. با توجه به وجود آیات و روایاتی در باب دوری از چشم زخم، وجود چشم زخم اثبات می‌شود. اما با این وجود گاهی افرادی آن را خرافه می‌دانند. پس ضرورت بررسی شواهد و قرائن وجود و ماهیت چشم زخم حاصل شد. با بررسی‌های انجام شده، اولاً وجود چشم زخم بر اساس آیاتی چون آیه ۶ سوره یوسف و آیه ۵۱ سوره قلم اثبات می‌شود. در باب ماهیت چشم زخم مواردی چون انعکاس انرژی چشم، وجود حسادت فرد و یا تلقین را به عنوان اصل و ماهیت آن معرفی کردند.

واژگان کلیدی: چشم، زخم، چشم زخم.

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه ریحانه النبی (سلام الله علیها) رفسنجان.

مقدمه

پدیده چشم زخم آزار یا نقصانی است که از تأثیر افکار بعضی از مردم به واسطه دیدن یا شنیدن و تعریف کردن آنها از چیزی به کسی یا چیزی می‌رسد و یکی از اسباب مؤثر در عالم که نشأت یافته از بعد روحی انسان است. از جمله پرسش‌های مطرح در جامعه بحث واقعی یا خیالی بودن چشم زخم است. از آنجائی که چشم زخم نمود محسوس خارجی و عینی ندارد بعضی‌ها منکر آن هستند و آن را باور ندارند اما از طرفی در بعضی روایت‌ها به این نکته اشاره شده و راهکارهایی را برای دور شدن از چشم زخم معرفی کرده‌اند.

با توجه به اینکه مسأله چشم زخم بین عامه مردم است و از طرفی هم روایت‌هایی در این زمینه هست اما با این وجود، منکر آن هستند و آن را نوعی خرافه می‌شناسند ضرورت داشت که حقیقت این مسأله از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار گیرد و معرفی شود تا نگاه خرافه بودن آن کمرنگ گردد. تاکنون تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته که می‌توان به کتاب‌هایی چون «چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ» نوشته علرضا ملا حسنی که به بررسی تحلیلی رابطه چشم زخم و بلایا در معارف دینی به رغم کاربرد گسترده آن در گروه‌های گوناگون مردم و همچنین آثار و راهکارهای مقابله با چشم زخم و درمان آن پرداخته است.

کتاب «چشم‌های زهر آلود» نوشته علی دری اصفهانی کتابی دیگر که به حقیقت چشم زخم و خرافی بودن بعضی از مسائل که ساخته و پرداخته ذهن مردم است اشاره کرده است.

مقالاتی چون «پژوهشی در حقیقت چشم زخم و علل ورود خرافات بر آن»، نوشته بهزاد بسطامی که به حقیقت چشم زخم، از نظر آیات و روایات و موضوعاتی که باعث بروز آن و عواملی که آثار سوء آن را از بین می‌برد پرداخته است.

مقاله «چشم زخم از منظر احادیث و روایات» نوشته حنانه زحمت کش که به بررسی حقیقت چشم زخم و راههای غلبه بر چشم زخم از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) پرداخته است.

این تحقیق به طور یکجا به حقیقت وجود و ماهیت چشم زخم می‌پردازد.

الف) مفهوم شناسی

چشم در لغت یعنی: دیدن و در اصطلاح: عضو اصلی حس باصره در انسان و حیوان^۱.

زخم در لغت به معنای: ضرب، ریش، صدمه زدن و در اصطلاح: یعنی جراحاتی در بدن که بوسیله آلات جارحه یا ناخن و دندان و مانند آن ایجاد می‌شود. بریدگی یا خراش و شکافی که بوسیله ضربه اشیاء نوک تیز به پوست بدن وارد می‌شود.^۲

چشم زخم: صدمه و آسیبی که از چشم بد یا چشم شور به کسی می‌رسد. آسیب و زبانی که از نگاه یا کلام کسی که چشم شور دارد به کسی یا چیزی برسد.^۳

ب) دلایل وجود چشم زخم در آیات و روایات

قرآن کریم بر خلاف بعضی باورها که چشم زخم را امری خرافی می‌پندارند نه تنها آن را خرافه نمی‌داند، بلکه به نمونه‌هایی از آن اشاره کرده است. آیاتی که به طور ضمنی بیانگر مسأله چشم زخم هستند: آیه ۶۷ سوره یوسف، آیه ۵۱ سوره قلم و آیه آخر سوره فلق می‌باشد.

۱- «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»؛ و گفت ای پسرانم (در این سفر) از یک در وارد نشوید، بلکه از درهای متعدد وارد شوید و البته من با این تدبیر نمی‌توانم هیچ حادثه‌ای را که از سوی خدا برای شما رقم خورده، از شما بر طرف کنم. حکم فقط ویژه خداست، تنها بر او توکل کرده‌ام و همه توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند.

حضرت یعقوب (علیه السلام) زمانی که فرزندان مهیا رفتن به سوی مصر شدند آنها را امر می‌کند که از درهای متعدد وارد شوند. دلیل این امر ترس از رسیدن چشم زخم بر جان فرزندان

^۱ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۲۸۶.

^۲ دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱، ص ۱۵۶۳.

^۳ عمید، فرهنگ عمید، ص ۴۹۷.

^۴ یوسف: ۶۷.

بود که ۱۱ نفر و دارای قیافه‌های جذاب و همگی برادر یکدیگر و اولاد یک پدرند که مردم آنها را ببینند و چشم بزنند و همچنین حسد حاسدان را برانگیزد و موجبات نابودی آنها را فراهم سازند. در ادامه آیه خطاب می‌کند: «وَمَا أَغْنَىٰ عَنْكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ». نشان دهنده این نیست که یعقوب (علیه السلام) از حوادثی که احتمال می‌داده جداً می‌ترسیده، بلکه به طور الهام دریافت که این جمع به زودی از هم متفرق می‌شود لاجرم سفارش کرد از درهای متعدد وارد شوند. این چاره اندیشی یعقوب (علیه السلام) مبنی بر مصونیت فرزندانش از چشم زخم حسودان است.

در ضمن اینکه در ادامه خطاب می‌کند این دستور و سفارش به هیچ وجه نمی‌تواند شما را از بلا محفوظ بدارد و شما را از دستگیری و لطف خدا بی‌نیاز کند که این گونه اسباب ظاهری کسی را از خداوند بی‌نیاز نمی‌سازد مگر خداوند اراده کند و اسباب ظاهری صاحب اثر شوند.^۱

۲- آیه: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ»؛ نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند تو را با چشمان خود هلاک کنند و می‌گویند او دیوانه است.

مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند که دشمنان وقتی آیات با عظمت را از زبان تو می‌شنوند آنقدر خشمگین می‌شوند و با عداوت به تو نگاه می‌کنند می‌خواهند با چشمان خود که در آن اثرات مرموزی نهفته است تو را چشم بزنند و از بین ببرند.

این مسأله از نظر عقلی امر محالی نیست؛ چرا که بسیاری از دانشمندان امروز معتقدند که در بعضی از چشم‌ها نیروی مغناطیسی خاصی نهفته که می‌توان با ممارست آن را پرورش داد.

در دنیایی که اشعه لیزر شعاعی نامرئی است و قدرت تخریب بالایی دارد پذیرش وجود نیرویی در چشم‌ها که می‌تواند بر طرف مقابل اثر بگذارد چیز عجیبی نیست. پس از جهت عقل و

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، صص ۲۹۸، ۲۹۹.

^۲ قلم: ۵۱.

علم این امور غیر قابل انکار است.^۱

در حکمتی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که «الْقُدْرَةُ تُذْهِبُ الْحَفِظَةَ»، قدرت و توانایی خشم و کینه و حقد را از بین می‌برد.

دشمن وقتی در مخالف خود احساس ضعف کند از خشم و کینه‌اش کاسته شود. کفار در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که آیات شگفت انگیز قرآن را تلاوت می‌فرمودند، چنین وضعی را نمی‌دیدند چون باعث گرایش روز افزون مردم به اسلام و کاهش جمع کفار شده بود بنابراین کفار پر شده بودند از خشم و نفرت و سعی داشتند با انواع تهمت‌ها چون (دیوانه و جن زده) به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باعث پراکندگی افراد از اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شوند که کار ساز نبود.

بنابراین پنداشتند بهترین راه برای از بین بردن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چشم زخم است بدون اینکه قاتل شناخته شود یا به درد سر بیفتند که به عنایت خداوند عملی نشد.^۳

۳- «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ و از شرّ [هر] حسود، آن گاه که حسد ورزد. زیرا حسد، حسود را وادار می‌کند تا به محسود بدی و ضرر برساند. از این رو به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) امر شده که از شر او به خدا پناه برد. هم از شر خود حسود و هم از شر چشمش چه بسا که حسود با هر دو ضربه می‌زند و زیان می‌رساند.^۵

هر چند که اشکال گرفته‌اند حسد مغایر با چشم زخم هست و نسبت بین حسد و چشم زخم عموم و خصوص من وجه هست یعنی ممکن است در کسی حسد باشد ولی چشم زخم نباشد و

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۷.

^۲ به نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۴۶.

^۳ ملا حسینی، چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ، صص ۵۰، ۴۹.

^۴ فلق: ۵.

^۵ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۶.

اگر بد است، بد پیش آید.^۱

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند ماهیت چشم زخم را بر ما نشان دهد حسادت هست چون حسادت می‌تواند از طریق نگاه تأثیراتی داشته باشد که می‌تواند بر چشم زخم تبدیل شود. حسادت حالتی نفسانی است که صاحب آن آرزوی سلب کمال و نعمت را از دیگری دارد چه خودش آن را داشته باشد یا نه و چه بخواهد به خودش برسد یا نه.

حسد اسباب بسیاری دارد. حسود وقتی دیگری را کامل دید، در خودش حالت انکسار و ذلت پدید می‌آید و حسد تولید می‌شود و اثر آن میل به زوال نعمت و کمال از دیگری است. حسد یکی از بیماری‌های مهلک قلبی است و بیماری‌های قلبی و مفاسد فراوانی از آن پدید می‌آید.^۲ زیرا حسود تمام توان خود را برای رسیدن به هدف خود که زایل کردن نعمت است به کار می‌گیرد تا او را به زمین بزند خواه با چشم زخم یا وسیله دیگر.

ابن قیم می‌گوید: چشم زخم تیری است که از حسود رها می‌شود که گاه کار ساز می‌شود و گاه خطا می‌رود. وی معتقد است: خدای سبحان در بعضی اجسام و ارواح قدرتی قرار داده که می‌تواند در دیگری تأثیر بگذارد، مثلاً وقتی می‌ترسد چهره‌اش زرد می‌شود یا هیبت کسی را می‌بیند سرخ می‌شود حالات چهره دلیل این مدعاست. تأثیر گذاری حاسد بر آزار محسود امری بدیهی است؛ زیرا با خباثت نفثش ذراتی چون سم از چشم او خارج می‌شود و بر محسود اصابت می‌کند. حسد نیروی روانی پلیدی است که به خاطر رشک بردن بر آسایش و نعمت دیگران آتش حسرت درونی حاسد را که بر اثر تفکر و حسرت درونی تقویت شده می‌تواند ضرر و شر خود را به محسود وارد سازد. همان طور که دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از توطئه‌ها متوسل به چشم زخم شدند.^۳

با وجود پیوند وثیقی که بین چشم زخم و حسد در فهم عموم بر قرار است صلاح بر این

^۱ کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۱.

^۲ محدثی، برکرانه چهل حدیث، صص ۵۸، ۵۹.

^۳ ملا حسینی، چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ، صص ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴.

است که بینشان تمایز نهاد چه بسا افرادی که دوستدار انسان هستند بدون اینکه بخواهند صرفاً برای اینکه چشم شورند، به دیگران (مثلاً مادران به فرزندان خود) چشم بزنند و دچار آسیبشان کنند. یا افرادی، خود یا اموال خود را چشم بزنند یا ممکن است جانوران آدمی را چشم بزنند با این منوال ممکن است گاهی چشم زخم همراه با حسد باعث زوال و ضرر و زیان برای فرد محسود شود و گاه می‌تواند مستقلاً بدون حس حسادت برای دیگران خسارت به بار آورد. ولی صرف حسد ورزیدن یا حسادت حائز چنین امکانی نیست.^۱

برخی اشخاص به سبب علل طبیعی یا آموزش‌های خاص و تحولات درونی و بیرونی تقویت می‌شوند و ناخود آگاه آثار خود را به جا می‌گذارند ولی چنین نیست که این نیرو اختصاص به برخی داشته باشد و برخی دیگر محروم باشند، بلکه همگان دارای توانی از این دست هستند که می‌توان با آموزش و تربیت و مهار کردن و هدایت آن از نیروی خاص روح و روان بهره ببرند. اینکه انسان بگوید یک نفر وقتی نگاه می‌کند از چشم او شعاعی بیرون می‌آید که مثلاً سنگی را می‌ترکاند دیگر تعجبی ندارد به خاطر امواجی که در طبیعت وجود دارد و می‌تواند کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهد.^۲

اطراف بشر نیروهای بسیاری وجود دارند که گاهی برخی از آنها اعمال و رفتار و کردار او را تحت نفوذ و قدرت خویش قرار می‌دهند بدون اینکه وی هیچ گونه شناختی نسبت به این امواج داشته باشند. تا زمانی که انسان از نیروهای نهفته ذاتی خویش بی‌خبر باشد هرگز نمی‌تواند به مکانیسم قدرت‌های ذاتی و ذهنی و قدرت عقل خویش پی ببرد و آنها را بشناسد.^۳

علاوه بر مطالب گذشته در شناخت ماهیت چشم زخم مطالبی است که در کتاب بحارالانوار آمده است که عبارتند از:

۱- حاجز گفته اجزایی از چشم جدا می‌شود و به شخص چشم خورده می‌رسد و اثر می‌گذارد

^۱ حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۲۰.

^۲ ملا حسینی، چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ، ص ۴۱.

^۳ رهبر زاده، برون افکنی‌های روحی، ص ۲۷۱.

همان گونه که گزش، زهر و آتش اثر می‌کند.

این اجزا در وجود شخص چشم خورده جریان می‌یابد ولی نحوه اثر کردنش فرق دارد گاهی شور چشم از چیزی خوشش می‌آید و دوست دارد باقی بماند مثل وقتی که از فرزندش خوشش آید و گاهی دوست ندارد که باقی بماند مانند وقتی که حسود از آنچه که برای دشمنش اتفاق افتد خوشش بیاید.

۲- ابوهاشم و ابوالقاسم بلخی گفته‌اند: وقتی که شور چشم چیزی را ببیند و خوشش بیاید مصلحت او در تکلیفش این است که خدای متعال آن شخص یا چیز را تغییر دهد تا به او دل نبندد.

۳- سخن حکماست، قرار نیست شرط اثر کردن برای چیزهای محسوس باشد گاهی اوقات تأثیر نفسانی محض است که نیروهای جسمانی به آن ارتباطی ندارد. مثل اینکه انسان تصور کند فلانی به او آزار می‌رساند در دل او خشم ایجاد می‌شود مزاجش گرم می‌شود. از آن جایی که ثابت شد که تصور کردن نفس موجب تغییر خاصی در بدن انسان می‌شود پس امکان دارد برخی از نفوس به گونه‌ای باشند که در تغییر بدن حیوان دیگر مؤثر باشد.^۱

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۱۶.

نتیجه گیری

با تحقیقات انجام شده آنچه که در باب حقیقت و ماهیت چشم زخم مشخص شد این بود: اولاً چشم زخم وجود دارد چون در این باب آیات و روایاتی وجود دارد از جمله آیه ۶۷ سوره یوسف، آیه ۵۱ سوره قلم و آیه آخر سوره فلق می باشد. روایت هایی که بر حقیقت چشم زخم دلالت دارد از جمله: و تو از آن (چشم زخم) در امان نیستی از خودت بر خوری و از خودت بر دیگران. یا هر کسی از چیزی خوشش آید باید بر او مبارک باشد بگوید زیرا چشم زدن حقیقت دارد یا اینکه چشم زخم انسان را در گور و شتر را در دیگ می کند.

روایت هایی از این باب که همگی گویای اثبات حقیقت و وجود چشم زخم هستند سفارشات و روایات وارده از معصومین (علیهم السلام) برای خنثی سازی اثرات چشم زخم بیانگر وجود چشم زخم و اثرات سوء آن است و نشان می دهد که چشم زخم حقیقت دارد توهم و خرافه نیست روی است که در خارج اتفاق می افتد و در وجود انسان ها و حیوانات و اشیاء اثر سوء دارد و گاه آثارش آنقدر خطرناک است که آدمی را به کام مرگ می کشاند.

ثانیاً در باب حقیقت چشم زخم نیز مطالعات فیزیولوژی و مغناطیسی ذهن نشان می دهد که اشعه هایی از مغز برخی افراد از طریق چشم آنان ساطع می شود که با چشم دیده نمی شود مثل ارتعاش و انرژی است و می توان آن را با چشم زخم انطباق داد. چشم زخم زهریست که از انسان شور چشم خارج می شود و بر دیگری اثر می گذارد و یا برخواسته از تلقینات خود شخص هست که طبق روایت دید فرد به خدا هر طور که باشد (خوب یا بد) خدا هم نسبت به او همان گونه خواهد بود و یا نشأت گرفته از حسرت درونی فرد که همان حسادت هست که طبق آیه آخر سوره فلق خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که از هم شر حسود و هم چشم حسود به او پناه برد.

پس با آگاهی دادن به مردم و استناد به قرآن و روایات تا حدودی می توان از چشم زخم جلوگیری کرد.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- ۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۲. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران: دایره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۳. دری اصفهانی، علی، چشم‌های زهر آلود، قم: انتشارات ام اییها، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۴. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۵. راشدی، سعید و لطیف، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات پیام علمدار، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۶. رهبر زاده، حسن، برون فکنی‌های روحی، تهران: انتشارات پارسا، ۱۳۷۷.
- ۷. ضیاء آبادی، محمد، تفسیر سوره یوسف، انتشارات بنیاد خیریه الزهرا(س)، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- ۸. طباطبایی نسب، محمد رضا، تفسیر نفیس، مؤسسه فرهنگی نور الائم، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
- ۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
- ۱۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- ۱۲. کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مترجم گروه مترجمان نهاد کتابخانه عمومی کشور مؤسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲.
- ۱۴. محدثی، جواد، برکرانه شرح چهل حدیث امام خمینی، مرکز نشر هاجر، چاپ هشتم، ۱۳۹۶.
- ۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.
- ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۸۱.
- ۱۷. ملا حسنی، علیرضا، چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰.